

محبویت زنان

از

نگاه عرفانی



منصوره اعتمادی



انتشارات اطلاعات

تهران - ۱۳۹۷

سرشناسه: اعتمادی، منصوره، ۱۳۴۰ -
 عنوان و نام پدیدآور: محبوبیت زنان از نگاه عرفانی / منصوره اعتمادی
 مشخصات نشر: تهران: اطلاعات، ۱۳۹۷
 مشخصات ظاهری: ۱۴۸ ص.:
 شابک: 978-600-435-103-4
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه: ص ۱۳۷-۱۴۸؛ همچنین به صورت زیرنویس
 موضوع: زنان در اسلام
 Women in Islam
 عشق (عرفان)
 موضوع: Love (Mysticism)
 موضوع: انسان (عرفان)
 موضوع: Man (Mysticism)
 شناسه افزوده: مؤسسه اطلاعات
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ م ۶ الف / ۱۷۲ / ۲۳۰ BP
 رده بندی دیویی: ۱۹۷/۱۳۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۰۰۷۲۵



انتشارات اطلاعات
 تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۴۹ ۵۳۱۱
 تلفن: ۲۹۹۹۳۴۵۵-۶
 تلفن دفتر توزیع و فروش: ۲۹۹۹۰۰۰۲
 فروشگاه مرکزی: بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۱۹۹۳۶۸۶
 فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴

محبوبیت زنان از نگاه عرفانی

نوشته منصوره اعتمادی

ویراستار: افسانه قارونی
 حروف نگار: وحید ارزین
 طراحی جلد: رضا گنجی
 حروف نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات

شمارگان: ۵۲۵ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۷

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

ISBN: 978-600-435-103-4

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۵-۱۰۳-۴

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست

مقدمه.....	۹
بخش اول: نقل و بررسی اثر «جَبَّ الی من دنیاکم ثلاث».....	۱۵
بخش دوم: حُب، محبَّت و عشق.....	۲۱
فصل اول: حُب و محبَّت در لغت و اصطلاح.....	۲۳
فصل دوم: تعریف عشق، تفاوت آن با محبَّت و مستش با عقل.....	۲۸
فصل سوم: اطلاق واژه عشق بر حضرت حق.....	۳۴
فصل چهارم: اقسام و مراتب عشق و محبَّت.....	۳۹
فصل پنجم: تجانس و تناسب محبَّ و محبوب.....	۴۷
فصل ششم: محبَّت و عشق انسانی نردبان عشق ربَّانی.....	۴۹
فصل هفتم: عشق‌های عرفانی.....	۵۷
یوسف و زلیخا.....	۶۱
شیخ صنعان و دختر ترسا.....	۶۵
لیلی و مجنون.....	۷۰
ابن عربی و نظام.....	۷۵

- بخش سوم: تفسیر عرفانی محبویت زنان نزد پیامبر (ص) ۸۳
- فصل اول: بیان دیدگاههای مختلف در تفسیر حدیث «حَبَّ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ...» ۸۵
- فصل دوم: دلیل تقدّم ذکر واژه نساء بر طیب و صلوة ۹۱
- فصل سوم: دلایل اشتیاق پیامبر صلی الله علیه و آله به زنان ۹۴
- دلیل اول: اشتیاق کلّ به جزء ۹۴
- دلیل دوم: آفرینش زن بر صورت مرد و تخلّق وی به اخلاق الهی ۹۶
- دلیل سوم: کمال شهود حقّ در وجود زن ۱۰۰
- فصل - چهارم: نکاح، برترین و بالاترین وصلت ۱۰۵
- بخش چهارم: شرح حدیث «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ» ۱۰۹
- بخش پنجم: شرح و تفسیر آیه مبارکه «وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» ۱۱۷
- منابع ۱۳۷

مقدمه

از نگاه بسیاری از عرفا و صوفیه، جهان هستی بر پایهٔ عشق بنا نهاده شده است و این عشق در مامی جزای هستی سریان دارد و هیچ موجودی از آن مستثنا نیست و این عشق را آن ناشی گردید که خداوند خواست تا همهٔ آفریدگان او را بشناسند پس فرمود «كنت كنزاً مخفياً فأحببت أن اعرف فخلقت الخلق»^۱.

هیچ جنسی ز سافل و عالی	نیست از عشق و حکم آن خالی
حق چو بر خویش تن تجلی کرد	یافت خود را در آن تجلی فرد
حق چو حسن کمال اسما دید	آن چنان نهفت در پسندید
خواست تا اظهار آن کمال کند	عرض آن حسن و آل جمال کند
خواست تا در مجالی اعیان	سر مستور او رسد به عیان
چون زحق یافت انبعاث این خواست	فتنه عشق و عاشقی برخاست ^۲

۱. الفتوحات المکیه، ج ۲، ص ۱۱۲. من گنجی پنهان بودم و دوست داشتم که شناخته شوم، پس خلق را آفریدم.

۲. مثنوی هفت اورنگ، ص ۱۸۵.

این رابطه عاشقانه، رابطه‌ای دو سویه است چنان‌که حق خود فرموده است: «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ».^۱ بنابراین باید دانست که حب و عشق الهی مقامی الهی است و حق تعالی خود را «ودود» و «محب» نامیده است؛ و در خبر آمده است: «یابن آدم اِنِّی وَ حَقِّی لَکَ مَحَبَّ فَبِحَقِّی عَلَیکَ کُنْ مَحَبًّا»؛^۲ یعنی: ای فرزند آدم سوگند بر خود که من محب و دوستدار تو هستم و به نام من سوگند که تو هم محب و دوستدار من باش.

از آنجا که ادراک این عشق و محبت، موقوف بر شناخت ذات حضرت حق است و ادراک ذات مطلق برای انسان مقید و محدود ممکن نیست تنها راه شناخت حضرت حق، مشاهده وی در صور ممکنات است چنان‌که هر یک از موجودات، صورتی و مظهری از جمال حق‌اند که در آینه‌ای تجلی کرده است و هر یک مظهر و تجلی یکی از اسما و صفات الهی است؛ و چون خداوند زیباست دوستدار زیبایی نیز هست «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ»^۳ این جمال و زیبایی از صفات ذاتی حق است و به موجب آنکه آدمی را بر صورت خود آفریده است «خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ»^۴، جامه صفات خویش را بر او پرتاب کرده است، پس آدمی نیز به‌طور فطری به زیبایی گرایش دارد و این امری استوار و ناپذیر است؛ از این رو «در هر مرتبه‌ای از مراتب وجود که فی الجمله جمالی است نظر شهود او درآید، دل در آن بندد و رشته تعلق بدان پیوندد».^۵

پس با توجه به آنکه همه عالم عکس رخ خداوندی است، هر

۱. سوره مائده، آیه ۵۴.

۲. الفتوحات المکیه، ج ۲، ص ۳۲۲.

۳. مسند احمد، ج ۱، ص ۳۹۹ و ج ۴، ص ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۵۱.

۴. همان، ج ۲، ص ۲۴۴، ۲۵۱، ۵۱۹.

۵. سه رساله در تصوف، ص ۱۱۱.

موجودی مظهر و نماد کمال و جمال اوست؛ ولی برترین تجلی جمال الهی انسان است؛ چرا «که حسن انسان خاصیت انوار تجلی ذاتی دارد و دگر چیزها حسن از طراوت فعل دارد»^۱ و در مظهر انسانی، زنان از حسن و جمال افزون تری برخوردارند؛ بنابراین مظهر اتم جمال الهی و واسطه قوی تری برای وصول به عشق کبریایی اند؛ بدین سبب زن در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار بود و روایاتی از آن حضرت نقل شده است که حاکی از این موضوع است؛ از آن جمله و شاید مشهور این است که می‌فرماید: «حَبَّبَ إِلَيَّ مِنَ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثَ نِسَاءٍ: طَيِّبَةً، قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ». این را که پیامبر زن را گرامی می‌داشته و حق مالی او را رایش دوست‌داشتنی کرده بود، می‌توان یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد آن حضرت دانست، چنان‌که ابن عربی به این موضوع تصریح کرده و می‌گوید: «موضوع محبوب گردانیدن زنان در نزد آن حضرت، درباره هیچ‌یک از انبیاء الهی جز محمد صلی الله علیه و آله مطرح نشده است اگرچه برخی از آنان هم چون سلیمان نبی علیه السلام از زنان بسیاری کامیاب شده بود؛ زیرا محمد صلی الله علیه و آله تنها در پی پروردگار خویش بود و در کنار او و همراه با او و به پیگیری او نمی‌دید؛ چرا که اشتغال و توجهش به حق، او را از هر آنکه غیر خدا بود، باز می‌داشت. او همواره به دریافت آنچه از ناحیه حق می‌رسید و نیز مراعات ادب در پیشگاه الهی مشغول بود، و فرصتی برای پرداختن به چیز دیگری نداشت؛ از این رو خداوند زنان را محبوب وی گردانید و این عنایت و لطفی از جانب خداوند در حق زنان به شمار می‌آید. و چون خداوند زنان را محبوب او گردانیده بود وی نیز آنان را دوست می‌داشت و محب آنان

بود.^۱

از این منظر، محبویت زنان نزد آن حضرت نمی‌تواند جز در جهت کمال و نزدیکی وی به پروردگارش بوده باشد و در حقیقت این یکی از میراث نبوی به‌شمار می‌آید، ابن عربی پس از ذکر این خبر با طرح سؤال می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در این روایت از زنان یاد کرد است پس آیا گمان می‌کنی چیزی محبوب او گردیده که وی را از پروردگارش دور می‌سازد؟! هرگز؛ به خدا سوگند که چیزی محبوب وی گردیده است که او را به پروردگارش نزدیک می‌کند... پس هر که ارزش زنان را بداند و آنها را بشناسد، از دوستی ایشان چشم‌پوشی نخواهد کرد، بلکه دوست داشتن آنان از جمله کمالات عارف محسوب می‌شود؛ زیرا که آن میراثی نبوی و محبت الهی است، و برای همین است که آن حضرت، محبت و عشق حری به زنان را جز به خدای متعال نسبت نداده است.^۲

و به‌طور کلی زن تجلی جمال الهی است. چنان‌که مولانا جلال‌الدین به اظهار همین معنا پرداخته و می‌گوید:

پرتو حق است آن، معشوق نیست

خالق است آن گوئیا مخلوق نیست^۳

«شاعر در اینجا پرده ظاهر را به کنار می‌زند و در پیکر زن جمال جاودانه‌ای مشاهده کرده، او را ملهم و مراد عشق می‌داند؛ و طبیعت اساسی زن را واسطه‌ای تلقی می‌کند که جمال از طریق آن، خود را متجلی می‌سازد و به خلاقیت می‌پردازد. ابن عربی حتی پای فراتر نهاده می‌گوید: کامل‌ترین

۱. الفتوحات المکیه، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۹۰.

۳. مثنوی معنوی، دفتر اول، بیت ۲۴۳۱.

تصوّر وجود خداوند را کسانی درک می‌کنند و لذّت می‌برند که حقّ را در پیکر زن مورد تفکّر قرار دهند».^۱

خبر یاد شده از منظرهای گوناگونی تفسیر شده است؛ برخی تنها به برداشت سطحی و ظاهری از آن پرداخته و مقصود از آن را لذّت جویی‌های مادی و بهره‌مندی‌های جنسی دانسته‌اند و محبوبیت زنان را تنها به خاطر زیبائی و وجاهت ظاهری ایشان می‌دانند، و گروهی دیگر به تأویل ظاهر آن پرداخته و از افقی بالاتر و والاتر بدان نگریسته‌اند و معنای عرفانی عمیقی را از آن است کرده‌اند؛ که هدف از این نوشتار نیز بیان همین معناست.